

عنوان مقاله: واکاوی نحوه مواجهه قبیله کلب با اسلام براساس تعلقات ژئوپلیتیکی

نویسندگان: میثم حبیبی کیان، مهران اسماعیلی، ستار عودی

منبع: پژوهش های تاریخی ایران و اسلام.

بهار و تابستان ۱۴۰۲ دوره ۱۷ شماره ۱ شماره پیاپی ۳۲

صص ۱۵۲-۱۸۰

چکیده

- بررسی حیات سیاسی - اجتماعی قبایل عرب و واکنش آنها در مواجهه با اسلام، برای شناخت تاریخ صدر اسلام ضروری است. از جمله قبایل قدرتمند شمال جزیره العرب، بنی کلب بن وبرة بود که با تکیه بر علایق ژئوپلیتیکی، تا آخرین سالهای حیات پیامبر(ص) در قبال پذیرش اسلام مقاومت کرد. در واقع انتساب به یمن، جغرافیای گسترده، زعامت و رهبری قضاعیان و رویکرد اعتقادی عامل همبستگی کلبیان بود که برای حفظ آن تلاش میکردند.

قبیله قدرتمند شمال
جزیره العرب

انتساب به یمن،
جغرافیای گسترده،
زعامت و رهبری قضاعیان
رویکرد اعتقادی

- بنابراین پژوهش پیش رو میکوشد تا با روش توصیفی - تحلیلی به چگونگی برخورد این قبیله با اسلام و مطالعه ی عوامل ژئوپلیتیکی موثر در آن پاسخ دهد که به تبع آن راهبرد پیامبر(ص) نیز مورد واکاوی قرار گرفته است. نتایج تحقیق گویای آن است که **مردم قبیله ی کلب با وابستگی به جغرافیای سیاسی خود تا سرحدّ توان به رویارویی با مسلمانان پرداختند** و تنها پس از اقدامات پیامبر(ص) در اصلاح علایق آنها بود که به اسلام گرویدند

مقدمه

- تبیین جایگاه و نقش قبایل عرب مقدمه ی شناخت تحولات صدر اسلام است (۱) و از این جهت که رسول خدا(ص) در جامعه ی قبایلی عرب مبعوث شد، قدرت قبایل عرب در کنار تعصبات قبیلگی یکی از چالشهای تبلیغ و انتشار اسلام بود. در این میان قبایلی که از قدرت و شرافت بیشتری برخوردار بودند، مواجهه سخت تری با اسلام داشتند که بنی کلب از جمله ی آنهاست. این قبیله یکی از تیره های قضاعه است که با پشتوانه ی تاریخی، کثرت طایفه های منشعب، جغرافیای گسترده و راهبردی، مناسبات با حکومتهای محلی و رهبری قضاعیان به قبیله ای تأثیرگذار در اواخر دوران جاهلیت و صدر اسلام تبدیل شده بود.

- از این رو نمیتوان از نقش سیاسی اجتماعی آن چشم پوشید، به ویژه این که تأثیرگذاری آنها پس از رحلت رسول خدا(ص) و در دوران امویان کلیدی است. از دیگر سو دانشمندان علم جغرافیا، ژئوپلیتیک را یکی از مهمترین عوامل تعیین کننده ی سرنوشت گروههای انسانی برمی شمارند که با ایجاد وابستگیهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، قدرت و منفعت را به ارمغان می آید



- در این راستا قبیله ی کلب هم با تکیه بر ژئوپلیتیک منطقه ای، از جامعه ی پیرامون خویش تأثیرات فراوانی را پذیرفت، از این رو در مقابل حکومت نوپای اسلامی رویکردی متناسب با وابستگی ژئوپلیتیکی خویش در پیش گرفت. بنابراین **بررسی نحوه ی مواجهه قبیله ی کلب و رویکرد آنان با اسلام با توجه به وابستگیهای ژئوپلیتیکی، مسأله ی اصلی پژوهش است**

- و پژوهشگر قصد دارد با تحلیل و تطبیق گزارشهای تاریخی و جغرافیایی، بخشی از تاریخ صدر اسلام در بازه ی زمانی حیات پیامبر(ص) و راهبرد آن حضرت نسبت به قبیله ی کلب را واکاوی نماید. آنچه که مفروض است کلبیان با تکیه بر جغرافیای سیاسی، خود را به عنوان قبیله ای قدرتمند و تأثیرگذار در شمال جزیرهءالعرب مطرح ساختند که پیامبر(ص) در مواجهه با آنها ناگزیر به استفاده از راهبردی برنامه ریزی شده، گردید

تحلیل و تطبیق گزارشهای تاریخی و جغرافیایی

در مورد تاریخچه و پیشینه ی موضوع پژوهش نیز باید گفت؛ اگرچه در خصوص قبایل عرب، آثار بسیاری در قالب کتاب و مقاله به رشته تحریر در آمده است لکن برخی از این پژوهشها به صورت تجمیعی به قبایل عرب پرداخته اند و برخی نیز به صورت موردی قبیله ای را مورد تحقیق قرار داده اند. **در مورد بنی کلب، پژوهشی که تمام جوانب این قبیله را در صدر اسلام دربرگیرد، انجام نشده و تنها در برخی از آثار به قسمتی از نقش این قبیله شده است**



● به نظر می‌رسد مهمترین اثری که در این زمینه دیده شد، پایان نامهای با عنوان «قبیله کلب و دورها فی التاریخ العربی حتی نهایتاً العهد الأموی فی الشام» (۲) است که ضمن چندین بار مکاتبه با دانشگاه مستنصریه، متن آن درخواست شد ولی به نتیجه‌ای نرسید. از این رو با نظر به خلاصه‌ی دو صفحه‌ای آن در مجله‌ی المورخ العربی، (۳) مشخص گردید که نگارنده درصدد بیان تاریخ این قبیله بوده و فاقد تحلیل نقش کلبیه‌ها در مناسبات با پیرامونشان است.

دانشگاه مستنصریه

گذشته از این که تمرکز پژوهش مذکور بر دوره ی اموی است. مقاله ی «القبائل العربیة فی بلاد الشام و موقفها من حركة الفتح الإسلامی» از محمد ضیف الهلال بطاینة، ۱۹۸۵م، نیز دیگر تحقیقی است که در آن به مسائل کلی مانند سرزمینها و اولین مسلمانان این قبیله اشاراتی شده است. باتوجه به این که درباره این قبیله رساله ای در سال ۱۴۰۰ در دانشگاه شهید بهشتی دفاع شده است، مقاله ی حاضر، می کوشد تا زوایایی از نحوه ی مواجهه قبیله ی کلب با اسلام و عوامل موثر در آن را مورد پژوهش قرار دهد. ویژگی این مقاله نسبت به پژوهشهای نامبرده، ارائه و تطبیق شواهدی با تکیه به تاریخ قبیله و ژئوپلیتیک آن در دوره ی پیشا اسلامی و صدر اسلام است که بیانگر تأثیر عوامل محیطی بر اسالم پذیری قبیله و چگونگی راهبرد پیامبر(ص) در قبال آن خواهد بود

۱-علايق ژئوپلیتیکي قبیله کلب مقارن با ظهور اسلام

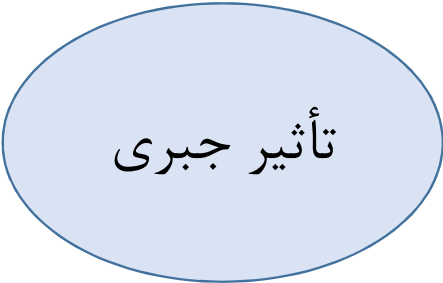
- بررسی تاریخ، جغرافیا و حیات سیاسی و اجتماعی قبیله کلب را میتوان با ژئوپلیتیک آنها در ارتباط دانست. در واقع ژئوپلیتیک مفهومی شناور دارد و به دلیل تعاریف مختلف آن، از شفافیت و ثبات نسبی برخوردار نیست.

شفافیت و ثبات نسبی برخوردار

- آنچه که از میان تعاریف ژئوپلتیک با مفهوم مدنظر در این پژوهش سازگارتر است؛ مطالعه روابط متقابل قدرت، جغرافیا و سیاست است که در حوزه‌های نفوذ، عوامل طبیعی، خصلتها، باورها و کارکردهای گروهی و ترکیبهای اجتماعی و بومی مورد توجه قرار می‌گیرد. (حافظ نیا، ۸۵، ۱۳۷۹)

حوزه های نفوذ، عوامل طبیعی، خصلتها، باورها و کارکردهای گروهی و ترکیبهای اجتماعی و بومی

- این واژه که از نظر بسیاری همان جغرافیای سیاسی است چون دربردارنده ی تأثیر جبری جغرافیا بر امور نظامی و راهبردی، سیاست و ساختار قدرت و اندیشه و باور عمومی است برای پژوهش حاضر انتخاب گردید.



تأثیر جبری

• البته یکی از عرصه های جدید پژوهشی در حوزه تاریخ و جغرافیای سیاسی، ژئوپلیتیک سازه های انسانی است که بر پایه ی جایگاه و اثرگذار مذاهب، نژادها، فرهنگها، اقوام، سیاستها، طبقات، فضاها، مکانها و... بنا می شود و تکامل می یابد. (Hafeznia, 2015, 9) در این که تا به حال از این عنوان برای بررسی قبایل استفاده شده است، سابقه ای در دست نیست هرچند در مورد گروههای انسانی مثل شیعیان و سایر اجتماعات بشری در قالب کشورها، کاربرد آن رواج دارد.

- حال از آنجا که یکی از سازه های انسانی بشر از گذشته تا به امروز قبیله است پس در مورد ژئوپلیتیک قبایل و اثرپذیری آن از عوامل پیرامونی مانند **نژاد و اصالت**، **عصبیت قبیله‌گی**، **پیشه و جغرافیای محل زندگی**، **فرهنگ و رسوم و جایگاه رهبری و زعامت قبیله**، میتوان سخن راند. بنابراین هر آنچه که مربوط به هویت جمعی و پایداری به راهبرد قبیله در طول زمان است را میتوان جزء ژئوپلیتیک سازه ی انسانی قبیله گنجانند که نتیجه ی آن ایجاد قدرت و نفوذ جمعی قبیله و وابستگی طایفه ها به آن است

یکی از سازه های انسانی بشر

● با این مقدمه به نظر میرسد لازمه‌ی شناخت رفتار و نقش سیاسی اجتماعی قبایل در مواجهه با اسلام، آگاهی از علایق ژئوپلیتیکی آنهاست. چراکه زیربنای منافع هر جمع، وابسته به تعلقات ژئوپلیتیک آنهاست که ناظر بر ویژگیهای طبیعی و انسانی است و تأمین کننده احتیاجات آن جمع در ابعاد مختلف (نظامی، سیاسی، تجاری، ارتباطی، فرهنگی، دینی، علمی و...) است. (رک: حافظنیا، ۱۳۸۵، ۱۲۰) بنابراین مطالعه‌ی کنشها و واکنشهای اجتماعات بشری بدون در نظر گرفتن علایق ژئوپلیتیکی سازه‌های انسانی آنها، دقیق نیست و باید در پژوهشهای مربوط به قبایل هم این نگرش کاربردی گردد.

علایق ژئوپلیتیکی سازه‌های انسانی آنها

• از دیگر سو پژوهش تاریخ صدر اسلام، بدون واکاوی رفتار و شناخت قبایل عرب امکانپذیر نیست، از اینرو بازخوانی عملکرد قبیله ی کلب بعنوان یکی از قبایل تأثیرگذار در مواجهه با اسلام و راهبرد پیامبر(ص) در قبال آن نیز مورد توجه است. در این راستا حیات قبیله کلب در دوره ی جاهلیت، گویای چگونگی شکل گیری علایق ژئوپلیتیکی این قبیله براساس **نسب**، **دین**، **جغرافیا**، **زعامت**، و سایر مناسبات در طول زمان است که در ادامه به اشاره خواهد شد

۱-۱ نسب و اصالت

در این که قبیله ی کلب تیره ای از قضاعه است کسی تردیدی نکرده است.(یعقوبی، بیتا، ج ۲۰۳:۱) و از آنجا که خاستگاه قضاعیان جنوب شبه جزیره است، مورخانی چون ابنکلبی، ابن اسحاق، ابن حزم و فاکهی، قضاعه را در کنار مذحجه عنوان یکی از قبایل قحطانی، جزءِ جماجم عرب(۴) بیان کرده اند.(ابن خلدون، ۱۹۸۸، ج ۵:۲)

- علاوه بر این وجود عمرو بن مالک بن مره بن یزید بن مالک بن حمیر بن سباء در شجره ی قضاچه که صاحب منطقه ای در «شحر» بود و اشاره برخی از گزارشها بر حکومت شخص قضاچه بر شحر و خاکسپاری او در کنار کوه شحر (اصطخری، ۲۰۰۴، ج ۲۰۰:۱) بیانگر آن است که اولین منازل و منشاء قضاعیان **سرزمین یمن** بوده و حتی آنها در سرزمینهای «شحر» و «مهره»، از مکانهای اصلی قحطانی ها، حکومت داشتند که نجران در شمال را هم دربرمیگرفت.

حکومت شخص قضاچه بر شحر

۱-۲ جغرافیای زندگی

کوچ آنان از نجران به حجاز سبب شد که در میان قبایل عدنانی قرار گرفته و با آنها ممزوج شوند و از این روست که برخی از نسابان آنها را از عدنانیها برمی شمارند. (زیدان، ۱۹۲۲، ج ۱:۱۶۹) لکن با توجه به دلایل پیش گفته به نظر میرسد قول به جنوبی بودن قضاعه و به تبع آن کلب، ارجح باشد و تواتر اهل یمن در قحطانی دانستن قضاعیان مویدی بر آن است. (باشمیل، ۱۵۱:۱۹۷۳)

قحطانی دانستن
قضاعیان

در این راستا **تلاش کلبیها پیش و پس از اسلام برای یمنی - دانستن خود قابل توجه است**، چراکه باور به برتری عرب جنوب موقعیت آنها را نسبت به قبایل شمالی حفظ میکرد و به آنها در کنار یمانیها، هویتی مبتنی بر ژئوپلیتیک انسانی متأثر از نسب و اصالت میبخشید. این تأکید بر نسب، آنچنان تعلق ژئوپلیتیک در قبیله ی کلب ایجاد کرد که منشأ رقابت و درگیریهای خانمان سوز با دیگر قبایل از دوره ی جاهلیت تا یک قرن پس از اسلام شد.

باور به برتری عرب جنوب

تا یک قرن پس از اسلام

- - قضاعه و زیرمجموعه‌ی آن پس از ویرانی سدّ مآرب، با مهاجرت به مناطق شمالی شبه‌جزیره در سیاری از نقاط آن دیده شده‌اند. با افزایش جمعیت، قبایل زیرمجموعه‌ی قضاعه با تکیه بر دامداری و پرورش شتر و زندگی کوچروی، در پی دستیابی به چراگاه‌های بیشتری بودند. (۶) بدین ترتیب با حرکت و استقرار در مناطق مختلف شبه‌جزیره، قلمروی وسیعی را به خود اختصاص دادند که از نظر راهبردی قابل توجه و در روند تاریخ عرب، نقش آفرین بود. (Webb, 2020, 3: 492) کلب بن وبرة پس از مهاجرت پدرانش از جنوب با برادرانش در وادی سباع (۷) زندگی می‌کرد. (حموی، ۱۹۹۵، ج ۳۴۴: ۵)

پس از ویرانی سدّ مآرب

- البته گزارشهایی از او و قبیلهاش در دیگر مناطق شبه جزیره موجود است چنانکه منابع تاریخی از برخی طوایف کلب نام برده اند که به نجد نقل مکان کردند. (حموی، ۲:۲۷۱، ۱۹۹۵) وجود برکه‌ی «حُوْأَب» در شمال نجد که به دختر کلب بن وبرة منسوب است براین جابجایی دلالت دارد. (بالذری، ۲:۴۵۸، ۱۹۹۸)

وادی سباع

کلب بن وبرة

- با افزایش جمعیت فرزندان کلب، **اطراف نجد از جمله حَضَن** (حمیدالله، ۱۰۱) و «**رَبْدَه**» در **جنوب** و **کَویِر الدَّهْناء** در شرق نجد (بکری، ۳:۹۱۴، ۱۹۸۳ و ۴:۱۲۳۶) جزء مناطق آنان شد که حتی برخی از آنها مثل زهیر بن جناب در اواخر قرن پنجم میلادی در آنجا دیده شده اند. (فریجات، ۱۳۶، ۱۴۱۴)

زهیر بن جناب در اواخر قرن پنجم میلادی

- باتوجه به شعر أحنس بن شهاب،(۸)حضور کلبیان در رملعالج (کویر نفود) تا اندکی قبل از ظهور اسلام، ثابت شده است لکن با ورود فرزندان نزار به نجد، قبائل کلبی مجبور به کوچ از مناطق مرکزی شدند. بنی عبدالله پس از شکست از بنی کنانه در یوم النهاده به **عسفان در هشتاد کیلومتری شمال مکه رفتن**د(حموی، ۱۲۱:۴، ۱۹۹۵ و ۱۲۲) و تا صدر اسلام که پیامبر خدا(ص) آنها را به اسلام فراخواند، بودند. در آنجا بودند (طبری، ۲:۳۴، ۱۹۷۶)

یوم النهاده

• برخی دیگر نیز در «جَدیر» نزدیک جدّه جای گرفتند (بکری، ۱۷:۱، ۱۹۸۳ و ۳۷۰:۲) و بنی عامر در کنار چشمه های آسیاح که به آنها نباح بنی عامر میگفتند، پراکنده بودند. (ابن حائک، بیتا، ۱۳۵) بنابراین مرزهای سرزمین کلب در دوره ی سکونت در مرکز شبه جزیره را می توان به نواحی نجد و بالای آن در رمل عالج، محدود دانست. (کحالة، ۱۹۹۴، ۳۶۲:۵) عده ی دیگری از فرزندان کلب که در شمال شرق جزیره العرب مستقر بودند، در وادی سماوه کسی را با خود شریک نکردند (ابن حائک، بیتا، ۲۷۲)

در وادی سماوه کسی را با خود شریک نکردند

• و برخی مناطق آن مانند «جَناب» را به اسم بزرگان قبیله نامیدند. (حموی، ۱۶۴: ۲، ۱۹۹۵) جغرافیدانان در کنار سماوه از سرزمینی به نام «**دیار بنی کلب**» در شمال دومة الجندل و جنوب صحرای سوریه (بخیت، ۱۵۹: ۳، ۱۹۸۷) و صحرای عرعر نام میبرند که **کمتر قبیله ای حاضر بود در آنجا مستقر شود** و برای آن با دیگر قبایل ستیز کند. (جاسر، ۸۹۸: ۳، ۱۹۸۰) تسلط طایفه های کلبی بر آبها، دشتهای، مراتع و بستانهای سماوه به گونه های بود که تا دوره ی اسلامی به «**سماوه کلب**» شناخته میشد (شیخو، ۱، ۱۹۸۹؛ عباس، ۱۴۴، ۱۹۶۸) و حتی اشعاری در این خصوص باقیمانده است. (۹)

در کنار سماوه

• وجود فرزندان عوف بن ابي - سلمی (ابنکلبی، ۶۱۱:۲، ۱۹۸۸) و بنوعمار بن عبدالملیح از طایفه ی بنی عامرالکبر (حموی، ۱۹۹۵، ۳۶۰:۴) و برخی تیره های منتسب به کلب مثل عدسیون (غنیمه، ۲۶، ۱۹۳۶) و زبید در «حیره»، این منطقه را به قلمرو دیگر قضاعیان بدل کرده بود (عامری، ۱۸:۱، ۱۹۹۲).

عدسیون و زبید

• حضور آنها در حیره روابط دوستانه بزرگان کلب با پادشاهان لخمی (۲۶۸-۶۳۲م) را به همراه داشت. (طبری، ۲:۲۱۳، ۱۹۷۶؛ غنیمه، ۲۰۱، ۱۹۳۶) ابن خلدون نیز اماکن پیش گفته را تأیید می کند چرا که وی در ذکر طبقه سوم از عرب، کلبیها را چادرنشینهایی خوانده که در یمن، حجاز، عراق و شام پراکنده بودند (ابن - خلدون، ۲:۲۴۱، ۱۹۸۸) با همه ی پراکندگی جمعیتی گزارشهای تاریخی گویای آن است که بنی کلب - اصلیتترین نماینده ی قضاعیان در ابتدای ظهور اسلام در منطقه ی دومةالجندل و تبوک، زندگی می کردند. (بکری، ۱:۵۰، ۱۹۸۳)

منطقه ی دومةالجندل و تبوک

اداره معبد **بت «وَد»** در دومه‌الجندل از سوی عامراً الجدار بنعوف و دیگر طایفه های کلبی (یعقوبی، بیتا، ۱:۲۵۵؛ ابنکلبی، ۱۵۰، ۱۳۶۴) و تصاحب عمده بازار دومه‌الجندل از سوی کلبیان، گواه حضور پر قدرت بنی کلب در آن مناطق در دوره‌های از تاریخ پیش اسلامی تا زمان فتح آن در دوره ی اسلامی است. به نظر پیترو وِب، کلبیان از دومه‌الجندل «وادی سرحان» در مسیر شام به شبه جزیره را کنترل می کردند. (Webb, 2020, 3: 492) بنابراین دومه‌الجندل در کنار وادی سماوه و دیار بنی کلب مهمترین منطقه تحت نفوذ قبیله ی کلب در صدر اسلام بود که قسمت وسیعی از شمال عربستان، غرب عراق و جنوب سوریه امروزی را در برمی گرفت

• در این جغرافیای گسترده قبایل بازرگان و یکجانشین کلب به زندگی در دومه‌الجندل و اطراف آن و قبایل دام پرور به کوچ در بیابانهای شمال شبه جزیره گرفته بودند. به نظر می رسد این ژئوپلیتیک خاص مهمترین عامل رشد اقتصادی این قبیله در اواخر دوره پیش اسلامی و صدر اسلام بود و آن زمانی که برخی از قبایل عرب با انگیزه های اقتصادی و ترس از گرسنگی، دختران خود را زنده به گور می کردند،(نصیری، زارعکار، ۲۰۳:۲۰، ۳۹۶ و ۲۰۴) هیچ گزارشی از اینگونه اقدامات در مورد قبیله کلب موجود نیست.

- نتیجه این که بدست آوردن این گستره ی جغرافیایی جهت جلب منافع مادی در طی قرون متمادی، بن مایه ی ژئوپلیتیک سازه انسانی به نام قبیله کلب بود که سرانجام به علقه ای ژئوپلیتیکی در این زمینه منجر شد و کلبیان را به دفاع از آن وا میداشت

۱-۳ زعامت و رهبری

- ساختار زندگی عرب مقارن با ظهور اسلام متکی بر تفکر خاندانی و تبعیت محض از بزرگان خاندان بود همانطور که در اغلب جوامع از جمله ایران آن دوره نیز این گونه بود. در این نوع زندگی معمول تصمیم اصلی را روسای خاندانها می گرفتند و هدایت سیاسی - نظامی و اجتماعی و فکری برعهده سران و اشراف بود. (جهان، ایمانیپور، عباسی، مفتخری، ۸۲: ۲۹، ۱۴۰۰)

تفکر خاندانی و تبعیت محض از بزرگان خاندان

• بنابراین بخشی از قدرت قبیله بستگی به ریاست آن داشت و رهبری با نفوذ میتوانست جزء عوامل تأثیرگذار ژئوپلیتیک و ایجاد قدرت در قبیله باشد، همانگونه که اگر رئیس قضاعه از کلب بود، هم قدرت بیشتری داشت و هم بر کلب ریاست میکرد. البته ممکن بود در قضاعه شخصی غیر از افراد قبیله ی کلب رئیس میشد که در این صورت، قبیله ی کلب رئیسی جداگانه داشت. زهیر بن جناب از زعمای بانفوذ کلب محسوب میشد که توانست قبایل قضاعه را زیر یک پرچم جمع کند و بر کلب و قضاعه همزمان حکم براند. (برو، ۲۰۸: ۱۹۹۶) اهمیت زعامت در قبیله تا بدانجا بود که زهیر پس از پیری و کنار گذاشته شدن، از غصه مُرد. (بغدادی، ۱: ۷۱، ۱۹۴۲)

زهیر بن جناب

• عبدالله بن علیم که خود رئیس طایفه ی بن عبدالله بود، زعامت کلب را برعهده داشت ولی به ریاست قضاعه نرسید(ابن سعید، ۱۷۳:۱۹۸۲) و در زمان طلوع اسلام نیز اصبع بن عمرو کلبی از بنی حصن ریاست بنی کلب در دومه‌الجندل را به عهده داشت.(طبری، ۱۹۷۶، ج ۲:۶۴۲) با توجه به این که در دوره ی پیش اسلامی **بیشتر متولیان زعامت قبایل قضاعی، کلبی بودند** و پس از اسلام نیز رهبری قبایل قضاعه و حتی یمنیها با کلبیان بود، پیشوایی کلبیها به مثابه ی حکومت بر مناطق وسیعی از شمال شبه جزیره محسوب میشد. از این رو بدست آوردن و حفظ رهبری قضاعیان، می توانست عاملی و انگیزه ای برای تثبیت جغرافیای سیاسی قبیله کلب باشد

بیشتر متولیان زعامت قبایل قضاعی، کلبی بودند

نعمان بن منذر

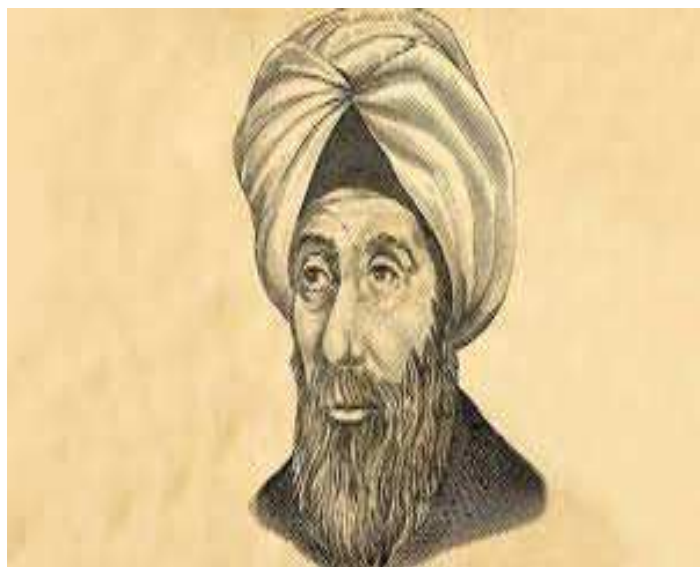
• در راستای حفظ این ژئوپلیتیک متأثر از زعامت بر قضاعه، پیشوایان کلب سعی در ایجاد روابط با قبایل و حکومت‌های قدرتمند همجوار داشتند تا بر مزیت‌های ژئوپلیتیکی قبیله‌ی خود بیفزایند. زهیر بن جناب با حمیریها و غسانیان ارتباط برقرار کرد. (میدانی، ۱۳۶۶، ج ۲:۴۱) طایفه‌های کلبی ساکن در حیره با پادشاهی لخمیها - مناذره - (۲۶۸-۶۳۲ میلادی) همسایه بودند و بزرگانی از کلب در دربار آنها رفت و آمد داشتند. (مرزبانی، ۲۰۶:۱۹۸۲) آنها روابط سببی نیز با هم داشتند و وبره بن رومانس برادر ناتنی پادشاه آنان، نعمان بن منذر بود. گزارش‌های مختصری هم از ارتباطانی قبیله با سالتین کنده - بنی‌اکل المرار - (۴۸۰-۶۰۰ میلادی) وجود دارد. (غنیمه، ۲۶۲:۱۹۳۶)

- مناسبات قبیله با دیگر قبایل بیشتر نیز از طریق هم پیمانی و وصلت خانوادگی بود. آنها جهت حفظ منافع خود با **طی و بنیقین** روابط سببی داشتند و با **بنیعوض از همدان** و **بنوجدیله از طیء** و دیگر قبایل، پیمان بسته بودند. یکی از مهمترین پیمانهای بنی کلب با بنی تمیم بود و تا سالها پس از اسلام ادامه داشت. (مغربی، ۶۴: ۱۹۸۰) لازم به ذکر است قبیله کلب در تاریخ طولانی اش برای حفظ و گسترش ژئوپلیتیک قبیله خود به تعداد زیادی جنگ تن داد و زهیر بن جناب به تنهایی در بیشتر از دویست جنگ شرکت کرده بود. (سجستانی، ۳۵: ۱۹۶۱)

• این حضور نشان از روحیه ی جنگ آوری و شجاعت افراد قبیله بود به طوری که در وصف خود می گفتند: «أربطنا للخیل و أ بذلنا للنیل» (۱۰) (همدانی، ۲۰۰۴، ج ۲: ۲۱۷) و ادعا داشتند که «**جوانان صبح اند**» چرا که خورشید بر آنها طلوع نکرده بود مگر اینکه در جنگ و قتال بودند. (غندجانی، ۱۰۹: ۱۹۸۰) از اینرو به نظر میرسد که پیوند و گسست در رفتار ازای کلب با دیگر قبایل، مبتنی بر تأمین منافع و بهبود علایق ژئوپلیتیکی قبیله بوده است

• باورها و اعتقادات یکی از ویژگی‌های مهم دیگری که می‌توان به عنوان عاملی در جهت تقویت حیات سیاسی - اجتماعی یک اجتماع مطرح شود، مجموعه‌ی باورهای آنها نسبت به جهان هستی است. اساساً بسیاری از سنن و آداب و رسوم رایج در جامعه که با مبنای اخلاقی و انسانی همخوانی دارد به عنوان باور در جامعه ماندگار میشود و حتی تغییرات سیاسی و مذهبی نیز قادر به از بین بردن این سنتها که در به باور درآمده اند، نخواهد بود (رضوی و اشرفی، ۱۲۰: ۲۰، ۱۳۹۶) و همین اعتقادات میتواند سبب **همبستگی اجتماعات انسانی** شود و با دربرداشتن بنیادین‌ترین ارزشها و هنجارها، عاملی برای ایجاد ژئوپلیتیکی مبتنی بر کیش و آیین باشد (۱۱).

در این راستا مردم کلبی قبل از اسلام، از نحله- های سرزمینهای اطراف به حسب موقعیت خود تأثیر می پذیرفتند به گونه ای که طایفه های ساکن در قسمتهای مرکز جزیره العرب به سبب همسایگی با بت پرستان، بتها را می پرستیدند و عده ای از آنها که با **غسانیان و رومیان** در سرزمینهای شام مجاور بودند به مسیحیت اعتقاد داشتند. چه بسا برخی از کلبیان بر آیین حنیف بودند، این گمان وقتی تقویت میشود که میبینیم مضمون برخی اشعارشان **ایمان به خدا، قدرت خداوند بر بندگان و تقدیر او بر آسمانها و خلائق** است. (ابن کلبی، ۱۹۸۸، ج ۲: ۶۱۰)



ابن خلدون

• و بنوعمار بن عبدالملک از طایفه ی بنی عامرالکبر (حموی، ۱۹۹۵، ۴:۳۶۰) و برخی تیره های منتسب به کلب مثل عدسیون (غنیمة، ۲۶، ۱۹۳۶) و زبید در «حیره»، این منطقه را به قلمرو دیگر قضایان بدل کرده بود. (عامری، ۱:۱۸، ۱۹۹۲) حضور آنها در حیره روابط دوستانه بزرگان کلب با **پادشاهان لخمی** (۲۶۸-۶۳۲م) را به همراه داشت. (طبری، ۲:۲۱۳، ۱۹۷۶؛ غنیمة، ۲۰۱، ۱۹۳۶) ابن خلدون نیز اماکن پیش گفته را تأیید می کند چرا که وی در ذکر طبقه سوم از عرب، کلبیها را چادر نشین هایی خوانده که در یمن، حجاز، عراق و شام پراکنده بودند (ابن - خلدون، ۲:۲۴۱، ۱۹۸۸)

- با همه ی پراکندگی جمعیتی گزارشهای تاریخی گویای آن است که بنی کلب - اصلیترین نماینده ی قضاعیان در ابتدای ظهور اسلام در منطقه ی دومةالجندل و تبوک، زندگی می کردند. (بکری، ۱:۵۰، ۱۹۸۳)

- گفته شده است گروهش به بت پرستی در میان کلب از زمانی آغاز شد که عمرو بن لحي خزاعي، بت «وَد» را به عوف بن کنانه عطا کرد و او نیز آن را در دومة الجندل قرار داد. او نیز یکی از فرزندان او را به **عبدود** نام گذاری کرد (۱۲) (ابنکلبی، ۵۵: ۱۳۶۴) و فرزند دیگرش عامر الجدار اولین خادم «وَد» بود. (ابنکلبی، ۱۵۰: ۱۳۶۴) علاوه بر این بت‌های دیگری در نزد قبیله ی کلب مورد تقدیس قرار میگرفت. (جوادعلی، ۱۹۶۸: ج ۲۳۷: ۶)

• کعبه در بین بت پرستان کلبی اهمیت زیادی داشت و همه ساله بتپرستان کلبی برای حج گزاردن به سمت کعبه میرفتند (طبری، ۱۹۷۶، ج ۳:۳۴۹) از این رو گفته میشود رکن یمانی را شارک ابن ابی سالم کلبی بنا کرد (ابن کلبی، ۱۹۸۸، ج ۲:۶۰۰) و زهیر بن جناب هم جزء افرادی بود که برای از بین بردن خانه ای که ظالم بن أسعد غطفانی برای رقابت با کعبه ساخته بود، حماسه آفرید. (ابوالفرج اصفهانی، ۱۹۹۴، ج ۱۵:۱۹) در سالهای مقارن با طلوع اسلام، قبایل بنی عبدود، بنی عامر بن عوف، بنی عامر الجدار، بنی خزرج، بنی عوف بن عامر الاکبر و اکثریت طایفه های منشعب از **بنی جناب** پتها را میپرستیدند، به گونه های که گروههایی از آنها خدمتگذاران و گروهی پیروان متعصب (حمس) بتها بودن



لویس شیخو

• از دیگر سو لوئیس شیخو، قبیلهی کلب را از پایبندترین و قدیمترین عربها به دین نصرانیت برشمرده است. (شیخو، ۵۱: ۱۹۸۹ و ۱۳۸) البته همجواری، کارگری (ابنخلدون، ۱۹۸۸، ج ۲: ۵۲۰)

- تجارت با امپراطوری روم و نزدیکی با غسانیان سبب شده که طوایف کلبی مستقر در مرزهای شام به کیش نصرانیت درآیند و حتی اسامی رومی برای خود انتخاب کنند. (ابن کلبی، ۱۹۸۸، ج ۲:۶۲۳) اگرچه متون تاریخی اشاره دارند که خود غسانیان از قرن چهارم به بعد مسیحی شدند (ضیف، ۴۱:۱۹۶۰)

طوایف کلبی مستقر در مرزهای شام

• ولی در مورد نحوه ی ورود کلبیها به نصرانیت مطالب زیادی منعکس نشده است. به هر حال بسیاری از تیره های قبیله ی کلب مانند بعضی از افراد طایفه های بنی حصن بن ضمضم، بنی زهیر و بنی علیم بن جناب از قرن پنجم میلادی تا ظهور اسلام و حتی دوره ی امویان، بر آیین نصرانیت بودند. لازم به ذکر است برآیند بررسیها نسبت به اعتقاد مردم کلب در دوره ی پیشا اسلامی نمی تواند تعداد دقیق قبایل مسیحی و بت پرست را مشخص کند ولی به این نتیجه رهنمون میشویم که پیروان این دو نحله در کنار هم از منافع قبیله دفاع می کردند. بنابراین باورها و اعتقادات عاملی در جهت همسبستگی قبایل کلبی بود تا با دفاع از آن تسلط خود بر ژئوپلیتیک منطقه ایشان را از دست ندهند

همسبستگی قبایل کلبی

• نتیجه این که عملکرد جمعی قبیله با تکیه بر جغرافیای سازه های انسانی متأثر از ویژگیهای جامعه ی عرب پیش از اسلام، سبب رقم خوردن ژئوپلیتیکی خاص برای قبیله ی کلب شد که برتری آنها را در شمال شبه جزیره تأمین می کرد. از آنجا که خصلتهای این قبیله پس از اسلام، همان ویژگیهای دوره ی جاهلیت را داشت، دور از ذهن نیست که مواجهه قبیله با اسلام، چالشهایی را در پی داشته باشد و پیامبر(ص) را مجبور به اتخاذ راهبردی نماید که تهدید منافع قبیله را کاهش داد و با به حداقل رساندن خصائص و وابستگی ژئوپلیتیکی، سبب اسلام پذیری آنها شود

۲- مواجهه قبیله کلب با اسلام

- همانگونه که دعوت پیامبر اسلام(ص) در ابتدا به صورت فردی و سپس به صورت عمومی بود در مورد پذیرش اسلام از سوی مردم کلب نیز این ترتیب متصور است. بنابراین افراد کلبی که در خارج از قبیله و نزدیک محل نزول وحی زندگی میکردند به راحتی و به سرعت اسلام آوردند. اما در مقابل طوایف کلبی که در شمال شبه جزیره و خارج از جغرافیای ظهور اسلام بودند، در سالهای آخر حیات پیامبر(ص) و با مدیریت تعلقات ژئوپلتیکی آنها از سوی پیامبر(ص) اسالم، مسلمان شدند. در ادامه به نحوی مواجهه این دو گروه با اسالم خواهیم پرداخت.

مدیریت تعلقات ژئوپلتیکی

۱-۲- مواجهه انفرادی

- کلبیها کمابیش از ظهور اسلام اطلاع داشتند همانطور که أسود بن شعر کلبی، هنگامی که در سرزمینهای شام و شبه جزیره به تجارت مشغول بود ظهور پیامبر مورد انتظار را از بزرگان و اُخبار یهود شنیده بود. (یعقوبی، بیتا، ۲۴۳: ۱) از دیگر سو آنها دائماً برای حج به مکه در حال تردد بودند (عسقالنی، ۱۴۱۵، ج ۵۹۹: ۲) و **یا برخی از آنها مثل عبد بن وهب بن خولی با قریش پیمان داشتند** که از طلوع اسلام مطلع بودند. (واقدی، ۹۹۲: ۱۹۴۸)

• **اولین مسلمان** از قبیله کلب **زیدالْحُبَّ** یا **زید بن حارثه** از بنی **عبدود** است. او که در کودکی توسط بنوقین اسیر شده بود، برای فروش به مکه آورده شد، حضرت خدیجه(س) او را خرید و به خانه رسول خدا(ص) آورد.(ابن هشام، بیتا، ج ۱۶۳: ۱) هنگامی که پیامبر اکرم(ص) به رسالت برگزیده شد، خدیجه(س)، علی بن ابیطالب(ع) و زید بن حارثه در خانه او به سر می بردند که همگی ایمان آوردند. از این رو او پس از حضرت علی(ع) نخستین مرد مسلمان معرفی شده است (ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۲: ۱۳۱) برادر زید بن حارثه، جبلة، بود که با پدرش - در جریان جستجوی برادرش زید - بر پیامبر(ص) در مکه وارد شد و در مراجعت دوباره ی خویش، اسلام آورد.(ابن سعد، ۱۹۹۰، ج ۳: ۳۰)

- به نظر میرسد زید و برادرش تنها کلبیانی بودند که در مکه ایمان آوردند و **بقیه افراد کلبی پس از هجرت آن حضرت به مدینه مسلمان شدند.** دحیة بن خلیفه دیگر کلبی بود که پیش از جنگ بدر اسلام آورد (ابن سعد، ۱۹۶۸، ج ۲: ۴۶۱) و در احد و نبردهای دیگر حضور داشت. (ابن عبدالبر، ۱۹۹۲، ج ۲، ۴۶۱) اگرچه او مسیحی بود ولی به دلیل پیشه ی بازرگانی به مکه و مدینه در رفت و آمد بود که با اسلام آشنا و مسلمان شد.

• دیگر پیشگامان مسلمان کلب پس از هجرت، سَعْدُ بن خَوْلِی - سَعْدُ بن قَیْس - موالی حاطب بن اَبی بَلْتَعَه بود. (بالذری، ۱۹۹۶، ج ۲: ۱۰۲) او جنگ بدر را درک کرد و سی و سه ماه پس از هجرت در نبرد احد به شهادت رسید. (۱۳) (بغدادی [۲۷۶: ۱۹۴۲]) همچنین جناب بن حَارِثَه بن صَخْر (ابن - کلبی، ۱۹۸۸، ج ۲: ۵۹۸) نیز پس از هجرت مسلمان شد ولی گزارش دیگری در دست است که

• اسلام آوردن جناب را در روز فتح مکه میداند. (سجستانی، ۷۲: ۱۹۶۱) زُهَیْر بن مَكْحُول و کَلِیب بن مَكْحُول دو برادر از اصحاب رسول خدا (ص) و از طایفه ی بنی عامر الجدار بودند که کلیب در نبرد موته به همراه زید بن حارثه به شهادت رسید. (بالذری، ۱۹۹۶، ج ۴۶۵: ۲) و زَام بن زَرّ از طایفه ی بنی کعب بن عبدالله نیز بر پیامبر (ص) وارد و مسلمان شد، (سمعی، ۱۹۶۲، ج ۲۳۹: ۵)

نبرد موته

• **حَارِثَةُ بنِ عُبَيْدٍ** از دیگر کلبیانی بود که گفته شده اسلام را در پیری درک کرد و مسلمان شد. (سجستانی، ۹۴۸:۱۹۶۱) **جَهْلَبِ بنِ سَيْفٍ**، (ابن کلبی، ۱۹۸۸، ج ۲:۶۰۸) **أَبُو هَلَالِ کَلْبِي** از بنی تیم اللات (عسقالنی، ۱۴۱۵، ج ۷:۳۶۲) و **مَالِكِ بنِ حَارِثَةَ کَلْبِي** از بنی عامر الجدار که پدرش آخرین خادم بت «وَد» بود، نیز از دیگر مسلمانان کلبی محسوب می شدند. (ابن کلبی، ۵۵:۱۳۶۴) **حَابِسِ بنِ دُعْنَةَ** هم که اجیر عدی بن حاتم بود با شنیدن ظهور پیامبر اسلام، مسلمان شد. (ابن عبدالبر، ۱۹۹۲، ج ۱:۲۷۹) نام **أَبُو مَنِيبِ کَلْبِي** را هم جزء اصحاب پیامبر (ص) می توان دید که مانند **جَارِيَةَ بنِ أَصْرَمِ** پس از هجرت مسلمان شد. (عسقالنی، ۱۴۱۵، ج ۱:۵۵۴)

• افراد مذکور، اندک یاران کلبی پیامبر(ص) بودند که در راه گسترش اسلام و دفاع از پیامبر(ص) از هیچ تلاشی فروگذار نکردند. نحوه ی مواجهه آنها با اسلام، از روی اضطرار نبود بلکه با قلب و جان خود اسلام را پذیرفته بودند. از این رو تاریخ، شاهد دریافت سمتهای مهم، جانفشانی و شهادت برخی از آنها بود. **مهمترین کارگزار کلبی رسول خدا(ص) زید بن حارثه بود** که در سال هشتم هجری فرماندهی لشکر مسلمین در غزوه ی موته شد و به شهادت رسید. (طبری، ۱۹۶۷، ج ۳:۳۶؛ بالذری، ۱۹۹۶، ج ۱:۴۷۳) دیگر فرمانده کلبی سپاه اسالم، غَالِب بن عَبْدِالله کلبی بود.

• او در دو نبرد فرمانده بود که هر دو را با پیروزی به سرانجام رساند. (واقعی، ۱۹۴۸، ج ۲:۷۵۰)
همچنین پیامبر(ص) او را قبل از فتح مکه برای شناسایی بدانجا فرستاد. (بالذری، ۱۹۹۶،
ج ۱۱:۱۰۴) همچنین پیامبر(ص) **دحیه کلبی** را به دلیل این که قبل از اسلام تاجری مسیحی
بود و به سرزمینهای روم زیاد سفر می کرد، **سفیر** خود به سمت قیصر روم قرار
داد. (طبری، ۱۹۶۷، ج ۳:۶۴۹) براساس داده های تاریخی در خصوص اولین کلبیان مسلمان
اینگونه می توان نتیجه گرفت که این افراد با دوری از قبیله روج از فرهنگ سنتی آن، هیچگونه
وابستگی به قبیله نداشتند و توانسته بودند با رهایی از علقه- های ژئوپلیتیکی، براحتی
آموزه های اسالمی را بپذیرن

مواجهه جمعی

- پیامبر اکرم(ص) برای عرضه دین اسلام به افراد و قبایل عرب، هرگز از پا ننشست. از این رو علاوه بر تبلیغ اسلام در موسم حج به میان قبایل رفت و آمد داشت و آنها را به اسلام فرا میخواند که طایفه های کلب را نیز شامل میشد. طایفه ی بنی عبدالله از جمله آنها بود که پیامبر خدا(ص) به منازلشان رفت و آنها را به پرستش خداوند فراخواند، اما دعوتش را نپذیرفتند(۱۴). (طبری، ۱۹۷۶، ج ۲؛ ۳۴۹)

- بررسی روند اسلام پذیری قبیله ی کلب باید توجه داشت که کلبیان شمال شبه جزیره کما و بیش از ظهور اسلام مطلع بودند لکن به دلیل وابستگیهای ژئوپلیتیکی خود، اقدامی جهت همسویی با دین جدید از خود نشان نمی دادند.

• البته **مسافت بیش از هزار کیلومتری مرکزشان در دومه‌الجندل تا مکه** امکان تبلیغ پیامبر(ص) در میان آنها را منتفی میکرد، لکن به سبب ارتباطی که بین بازار عکاظ و بازار دومه‌الجندل بود، از آمدن دین جدیدی که به مقابله با بت پرستی برخاسته است، آگاهی داشتند. با هجرت پیامبر(ص) به مدینه و نزدیکتر شدن فاصله و نیز تغییر راهبردهای تبلیغی پیامبر(ص)، اهالی دومه‌الجندل از جمله کلبیان در دسترس اسلام قرار گرفتند لذا باتوجه به موقعیت راهبردی آنها و احتمال تحریک از سوی روم علیه مسلمانان، باید هرچه زودتر به اسلام می‌گرویدند. بنابراین پیامبر(ص) در این روند راهبردی دقیق و مشخص، در جهت کاستن تعلقات ژئوپلیتیکی کلبیان در پیش گرفت و آنها را تابع حکومت اسلامی نمود. اگرچه واکنش قبایل کلب در مقابل این راهبرد متفاوت و گُند بود.

- فراخوانی مستقیم قبیله کلب به اسلام به سال پنجم هجری بازمیگردد هنگامی که پیامبر(ص) با هدف تبلیغ اسلام به دومةالجندل رفت و آنها به خود فراخواند ولی آنها کشاورزی و دامداری خود را رها کرده و فرار کردند و تنها یک نفر مسلمان شد. (ابن سعد، ۱۹۶۸، ج ۲:۶۲) **همانگونه که طبری در این مورد گزارشی از حضور پیامبر(ص) نمی دهد.** (طبری، ۱۹۷۶، ج ۲:۵۶۴)

• گزارشها علت حضور پیامبر در دومه را دفع ستم اهل دومه نسبت به بازرگانان برشمرده اند. (مقدسی، بیتا، ج ۲۱۴: ۴) بطور حتم یکی از اولویتهای تبلیغی پیامبر(ص) در شمال جزیره- العرب، دومه‌الجنندل بود چرا که وجود بتپرستان متعصب از قبایل مختلف در کنار بت ود مرکزیتی را برای آنها در مقابل حکومت اسلامی ایجاد کرده بود، از اینرو در شعبان سال ششم هجری، سپاهی هفتاد نفری با رهبری عبدالرحمن بن عوف را به سمت آنها فرستاد.

عبدالرحمن بن عوف

• عَبْد الرَّحْمَن، مردم آن سرزمین را به اسلام دعوت و **سه روز صبر کرد**. اهالی دُومَةُ الْجَنْدَل در ابتدا از پذیرش اسلام امتناع کردند؛ اما در روز سوم، اصْبَغ بن عَمْرٍو کَلْبِیکَه رئیس قبیله و مسیحی بود، مسلمان شد و باعث گرویدن برخی افراد قبیله به اسلام شد. (واقعی، ۵۶۱: ۱۹۴۸) بنابراین برخی از گزارشها گروهی از کلبیان نیز پذیرفتند تا به حکومت اسلامی **جزیه** بپردازند. (تاریخ یعقوبی، بیتا، ج ۷۵: ۲) به نظر می رسد تخیر رضایت به پرداخت جزیه از سوی عدهای از مردم کلب، راهبردی زیرکانه‌ای بود که علایق ژئوپلیتیکی مبتنی بر باور آنان را به یکباره نفی نمی کرد ولی تنش را به حداقل میرساند، گذشته از این که این راهبرد در به تصویر کشیدن قدرت اسلام و ایجاد اختلاف بین مسیحیان و بتپرستان کلبی بسیار کارساز بود.

• در سربه بعدی، زمانی که خیال پیامبر(ص) از سوی مسیحیان دومه الجندل راحت شده بود، در راستای نفی شرک، برای از بین بردن بت‌های شمال شبه جزیره اقدام نمود. از این رو در سال نهم هجری و هنگام بازگشت از غزوه ی تبوک، خالد بن ولید را برای از بین بردن بت «ود» در دومه - الجندل مأمور ساخت لکن **دو طایفه ی بت پرست کلب (بنی عبدود و بنی عامر الجدار)** مقابل او ایستادند. خالد، آنها را شکست داد و سرانجام بت «ود» را درهم کوبید.

• قطن بن شریح و نعمان بن ماطل بن خیبری از کلبیانی بودند که در آن روز کشته شدند. (جوادعلی، ۱۹۶۸، ج ۲۳۰: ۶) البته برخی دیگر از گزارشها دلیل حضور خالد را پیشگیری از اقدام حاکم نصرانی کنده در دومه‌الجندل، اکیدر بن عبدالملک، در کمک به رومیان علیه مسلمانان نوشته اند. (واقدی، ۱۹۴۸، ج ۱۰: ۲۵) در این صورت بی تردید بسیاری از افراد لشکر اکیدر بن عبدالملک از قوم کلب بودند چراکه از سوی مادر با قوم کلب وابسته بودند و دومه‌الجندل یکی از مکانهای زندگی کلبیان محسوب میگردید.

• در جمع بین دو روایت به نظر میرسد که کلبیان بتپرست برای حفظ موقعیت راهبرد دومه‌الجندل به کمک اکیدر سکونی آمدند تا نصارای دومه‌بمانند حمله قبلی توسط عبدالرحمن بن عوف تسلیم نشوند و موقعیت دومه‌الجندل بیش از پیش به خطر نیفتد اگرچه هر دو گروه بتپرست و مسیحیان از خالد بن ولید شکست خوردند.

- باید در نظر داشت جایگاه راهبردی دومه‌الجندل و سرزمینهای اطراف آن با اکثریت کلبی در شمال شبه جزیره که متأثر از وجود بازار دومه‌الجندل، معابد و بتکده‌ها و قرارگرفتن در مسیر تجاری جنوب به شمال، سبب شده بود که ژئوپلیتیکی ویژه‌ای حول ساکنان و اقوام آنجا رقم بزند. از این رو پیامبر(ص) در این نبردها با کاستن و یا از بین بردن علایق قبایل آنجا (مثل تخریب بت ود به عنوان نماد بتپرستی شمال شبه جزیره) آنها را به سمت اسالم سوق داد.

تخریب بت ود^۳

۲-۳ وفود طایفه های کلبی

- فتح خالد بن ولید، گویای پایان یافتن دوره ی بتپرستی و دخول کلبیان در اسلام است چرا که پس از آن بود که مردم کلب به صورت گروهی در سالهای نهم و دهم هجری مسلمان شدند. عبد عمرو بن جبلة و عصام بن عامر از خادمان بت «عثر» از اولین گروههای کلبی بودند که خدمت پیامبر(ص) رسیده و ایمان آوردند. (ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۱:۴۱۰) گروه دیگر حمل بن سعدانۀ و دو برادر به نامهای حارثۀ و حصن بن قطن بودند که مسلمان شدند. (ابن عبدالبر، ۱۹۹۲، ج ۱:۳۸۶) پیامبر(ص) برای حمل پرچمی بست و برای حارثۀ بن قطن فرمانی صادر فرمود. (عسقالنی، ۱۴۱۵، ج ۱:۷۰۶)

• در جای دیگری مثل همین ماجرا از اسد بن حارثه از بنیعی‌لیم بن جناب نامبرده شده است که با برادرش قطن و برخی از افراد قبیله اش بر پیامبر(ص) وارد شدند و طلب باران کردند. (صفدی، ۲۰۰۰، ج ۵: ۹) پیامبر(ص) دومی بن قیس از بنی خزرج را پرچمدار کسانی کرد که با او اسلام آورده بودند. (ابن‌کلبی، ۱۹۸۸، ج ۵۵۷: ۲) روند مسلمان شدن گروهی بنی کلب پس از رحلت پیامبر(ص) نیز ادامه داشت. بیاض بن سوید از طایفه بنی‌حصن در زمان خلافت عمر بن خطاب اسلام آورد (عسقالنی، ۱۹۹۵، ج ۴۷۳: ۱) و امرؤ القیس بن عدی از بنی علیم به اسالم گروید و عمر او را پرچمدار قضاعیانی قرار داد که با او مسلمان شده بودند. (عسقالنی، ۱۹۹۵، ج ۳۳۵: ۱)

- در این راستا گزارشهای موجود نشانگر آن است که در عام الوفود گروههایی از طایفه های مختلف کلب برای اسلام آوردن از هم سبقت می گرفتند و پیامبر(ص) نیز برای تقویت و جذب آنها، امتیازاتی را برایشان در نظر می گرفت. در واقع هدف پیامبر(ص) از این اقدامات حفظ جایگاه بزرگان طوایف و زعامت آنها بود که به گسترش اسلام در میان قبیله ی کلب کمک میکرد و سبب جذب افراد می شد

• در مواجهه با قبایل کلبی همانطور که گفته شد، مردمان قبیله ی کلب در پیش از اسلام به بتپرستی و مسیحیت باور داشتند و رفتارهای مبتنی بر اعتقاد این قبیله کاملاً منطبق با فرهنگ پیشا اسلامی تعریف می شد. اسلام به عنوان دین جدید، آداب، تکالیف و قوانین جدیدی داشت که برای کلبیها به مانند سایر مخالفان اسلام، کژکارکرد، غیرقابل قبول و برهم زننده ی نظم و ساختار سنتی آنها بود.

• از اینرو نگرش آنها نسبت به دین جدید، چیزی جز مخالفت و منفی نگری مورد انتظار نبود و دشمنی کارکرد عقلی آنها محسوب میشد. حال با توجه به آنچه که از تاریخ بنی کلب و نسبت آن با جغرافیای سیاسی این قبیله در شمال شبه جزیره گزارش شد، میتوان نتیجه گرفت که پیامبر(ص) راهبردی مبتنی بر مدیریت علایق جغرافیایی و ژئوپلیتیکی کلبیان برگزید تا منافع قبیله با اسلام پذیری آنها کمترین تضاد را داشته باشد. از این رو در ادامه به بررسی این سیاست خواهیم پرداخت

- و عصبیت قبیلگی از مهمترین علقه های قبیله کلب، نسب آنها بود و خود را از اصیلتترین و از قویترین قبایل (قحطانی) می دانستند، لذا پذیرش آیین اسلام را در تضاد با آن می پنداشتند. آنها قرون متمادی در جهت به دست آوردن منزلت و جایگاه در میان قبایل عرب شمال، خود را به قحطانیان و یمن منتسب میکردند، از اینرو خود را از عدنانیهها و دیگران برتر می دانستند.

و خود را از اصیلتترین و از قویترین
قبایل (قحطانی) می دانستند،

• این تفاخر قبیلگی مانعی بزرگ برای پذیرش دینی بود که قبایل عدنانی و پستتر (از نظر آنان) آن را پذیرفته بودند، از این رو براحتی زیر بار دین جدید که موقعیت آنها را به خطر میانداخت، نمیرفتند. در این راستا پیامبر(ص) با عدم ورود به این مباحث و تکیه بر ارزشهای اسلامی چون تقوا، نسبت به این علقه اقدامی انجام نداد تا کلبیان نسبت به این خیال راحت داشته باشند اگرچه برخی منابع روایتی از رسول اکرم(ص) در تأیید قحطانی بودن کلبیان گزارش کرده‌اند. (۱۵)

- علاوه بر تأکید بر نسب، از مهمترین علایق ژئوپلیتیک قبایل حفظ دامنه نفوذ و میراث قبیله‌گی است. بدین معنا که سبک زندگی قبیله، سبب می‌شد که اعضای آن در قبال شبکه‌ی قبیله‌گی، وظایف و حقوق متقابل - که حیات او بستگی به آن دارد - را بپذیرند و به آن وابسته شود. حال اگر شخصی در این دایره با آداب و رسوم جدید آشنا می‌شد، براحتی نمی‌توانست از این قیده‌ها رها شده و رسم و شیوه جدید زندگی را بپذیرد ولی در مقابل کسانی که از این نظام دور بودند (مثل زید بن حارثه) پایبند به این موارد نبوده و زود اسلام را

قبول کردند. از این رو پیامبر(ص) ضمن آگاهی از این نظام با امتیاز دادن به وفود کلب و ایجاد رقابت بین طایفه های کلبی، این علقه ی ژئوپلیتیکی انسانی متأثر از قبیله گرایی را تعدیل نمود. آن حضرت در این راستا با پذیرش افراد مختلف از طایفه های مختلف کلب در ابتدا درصدد ایجاد تزلزل در همبستگی و سپس کاهش تعصب قبیله‌گرای آنها بود به صورتی که در سال نهم هجری وفود طایفه های کلب برای پذیرش اسلام گوی سبقت را از یکدیگر می ربودند.

- نکته قابل توجه این است که اکثر این طوایف کلبی بت پرست بودند که برای مطرح کردن خود در این زمینه افسانه هایی را می ساختند(۱۶). در این دیدارها پیامبر(ص) به گرمی و با آغوش باز و احترام متقابل پذیرای وفود کلب بود تا علقه ای عاطفی را جایگزین علقه های قبیلگی کند و با تأکید بر اخلاق، تعصبات جاهلی آنها را بکاهد.

- م دیگر پیامبر (ص) نسبت به تعدیل علایق ژئوپلیتیک متأثر از نسب قبایل کلبی، ازدواج و روابط سببی بود. آنحضرت در جریان سریه ی دَوْمَةُ الْجَنْدَل به عبدالرحمن بن عوف توصیه کرد که با دختر زعیم کلب، تُمَاضِر بنت الأصبغ بن عمرو، وصلت کند. (واقعی، ۱۹۴۸، ج ۵۶۱: ۲)

تُمَاضِر بنت الأصبغ بن عمرو

• شخص پیامبر اکرم (ص) هم با خواستگاری از شراف بنت خلیفه، خواهر دحیه کلبی، او را به عقد خویش درآورد. اگرچه با او زفاف نکرد. (طبری، ۱۹۶۷، ج ۱۶۸: ۳) علی بن ابیطالب (ع) نیز با محیاء دختر امروء القیس بن عدی و امام حسن (ع) با خواهرش سلمی و امام حسین (ع) با خواهر دیگرش رباب ازدواج کردند. (ابوالفرج اصفهانی، بیتا: ۹۴) خلیفه سوم نیز زنی از طایفه بنی حصن به نام نائله داشت که از مسیحیت به اسلام درآمده بود. (ابوالفرج اصفهانی، ۱۹۹۴، ج ۴۸۵: ۱۶) زبیر بن عوام هم، همسری از کلب داشت. (صفدی، ۲۰۰۰، ج ۱۲۱: ۱۴)

شِراف بنت خَلِیْفَه

- در واقع این کار پیامبر(ص) هم تأیید نسب کلبیان بود که به وصلت با آنان سفارش نمود و هم با وصلت و اختلاط قبایل قحطانی و عدنانی وابستگیهای نسبی کلب را کاهش می داد. از سویی دیگر روابط سببی صحابه با کلب در بُعد سیاسی از اهمیت بسیاری برخوردار بود چراکه در این صورت کلبیان موقعیت و امکانات قبیلگی خود را با مسلمانان به اشتراک می گذاشتند. از این رو شاهد هستیم که این روابط سببی در دوران امویان به اوج خود رسید و چون پیمانی مستحکم در خدمت سیاست قرار گرفت

۲-۳ جغرافیا

- بررسی قرارداد و پیمان نامه های پیامبر(ص) با کلبیان بیانگر آن است که آن حضرت بر تمامیت ارضی، پیشه و جغرافیای محل زندگی کلبیان تأکید داشت و درصدد آن نبود که جغرافیای سیاسی آنها را تغییر دهد.

• همانطور که گفته شد مردمان قبیله کلب با تکیه بر جغرافیای گسترده و مستعد در صدر اسلام به طایفه های توانگر و صاحب قدرت و شوکت تبدیل شده بودند. از اینرو پذیرش دین جدید با شعار برادری و برابری با توانگری آنها در تضاد بود و مانع از اسلام پذیری آنها میشد. در این زمینه بازرگانان قبیله کلب بیشتر نگران بودند چرا که موقعیت راهبردی دومةالجندل را در خطر میدیدند از این رو نباید از آنها انتظار داشت که در رفت و آمد به مکه از اسلام تعریف کرده و آن را به درستی معرفی کنند و همینطور دور از ذهن نیست قبایل شهرنشین کلبی که در اشرافیت به سر می بردند و زندگی نسبتاً مرفهی داشتند، نسبت به دین اسلام رویکردی منفعلانه داشتند

راهبرد پیامبر(ص) حفظ جایگاه جغرافیایی قبیله ی کلب در شمال شبه جزیره بود از این رو وفود کلب پس از آمدن به مدینه و اظهار به اسلام **دوباره به شمال شبه جزیره بازگشتند** در حالی که همان علایق ژئوپلیتیکی سابق نسبت به مکان اسکانشان را داشتند و کسی متعرض جغرافیا و محل کسب و زندگیشان نشد. تأکید بر این مسأله در پیمان نامه های بین پیامبر(ص) و سران طوایف کلبی به وضوح قابل مشاهده است مانند عهدنامه‌های که برای حارثه بن قطن نوشت.(ابن سعد، ۱۹۶۸، ج ۳۳۵: ۱)

- زعامت و رهبری نکته مهمی که پیامبر در راهبرد خود نسبت به مواجهه کلبیان در نظر داشت، حفظ جایگاه بزرگان و روسای طوایف کلبی بود. بزرگان کلبی که بر پیامبر(ص) وارد میشدند علاوه بر تکریم، از آن حضرت منصبی را دریافت می کردند که غالباً ابقاء بر همان سمت قبلی در قبیله و یا نمایندگی پیامبر در منطقه زندگانشان بود. از اینرو پیامبر(ص) با این کار به یکباره علایق ژئوپلیتیکی مبتنی بر رهبری آنها را نفی نمیکرد تا موجب گسست آنها از اسلام نگردد.

- پیامبر (ص) حتی به سردسته- های وفود کلب که سمتی در قبیله نداشتند، مناصبی را اعطا میکرد تا نسبت بر اسلام ایجاد علقه نماید. نتیجه این که اسلام، ژئوپلتیک مبتنی بر رهبری آنها در شمال را از بین نبرد بلکه برای آنها این رهبری را در قالب اسلام بازتعریف کرد. البته می توان هدف دیگر پیامبر(ص) از این اقدام را ایجاد سدّی از کارگزاران کلبی مسلما در مقابل امپراطوری روم دانست

امپراطوری روم

پافشاری بر باورهای نیاکان

- مردمان کلب با اندیشه های دینی بیگانه نبودند چرا که در پی همجواری با مسیحیان، بسیاری از آنان مسیحی بودند. از دیگر سو بت پرستی نیز در بین آنها رواج داشت. از این رو باورهای مردم کلب، سالهای سال با این دو آیین گره خورده بود و خود را صاحب آیین میدانستند. بنابراین دور از نظر نیست وقتی که یک دین جدید بر آنها عرضه شود و آنها را مقابل مسلک گذشتگان قرار دهد، به مقابله برخیزند، همانطور که آیات قرآن نیز به این رفتار اشاره دارد.

همجواری با مسیحیان

• بنابراین پیامبر(ص) تصمیم گرفت که نسبت به دو گروه بت پرست و مسیحی کلب دو شیوه ی متفاوت را در پیش گیرد. از این رو آن حضرت با توجه به ملاحظات سیاسی در شمال جزیره العرب و حمایت رومیان از کلبیان مسیحی آنها را در پذیرش اسلام و یا دادن جزیه مخیر نمود اما در مورد بت پرستان این مسامحه را انجام نداد. آن حضرت با آگاهی از نفوذ و وابستگی مردم شمال جزیره العرب به بتها، با دستور به تخریب بت «ود» بعنوان نماد بتپرستی که سبب وابستگی کلبیان و دیگر قبایل شمالی به آن شده بود، این علقه ی ژئوپلیتیکی را از بین برد تا به آنها ی دیگری برای بت پرستان باقی نماند و راه هرگونه بازسازی و احیاء بتپرستی بسته گردد.

• از اینرو میبینیم که پس از تخریب بتها وفودیهها به سمت اسلام آغاز شد. در نتیجه ی تلاشهای پیامبر(ص) برای مدیریت تعلقات ژئوپلیتیکی قبیله کلب به سمت اسلام پذیری آنها، گروههای زیادی از طوایف مختلف کلب مسلمان شدند لکن بدین معنا نیست که همه قبیله کلب به اسلام گرویدند(واقدی، ۱۹۴۸، ج ۱: ۱۹۲). بلکه برخی برتعصبات مذهبی و عصبیت قبیلگی خود باقیمانده بودند.

• بررسی افرادی که با وجود درک اسلام، مسلمان نشده بودند بیانگر آن است که تقریباً همه ی آنها مسیحیان کلب بودند؛ مانند حَارِثَةُ بنِ صَخْرٍ (سجستانی، ۱۹۶۱: ص ۷۲) حنظله بن صفوان، مالک بن ضب (بغدادی، ۱۹۴۲: ۳۰۵) و نیز أَبُووَهَبِ کَلْبِي که حاضر به پرداخت جزیه شد. (ابن‌اثیر، ۱۴۰۹، ج ۳۳۰: ۵)

• گزارشهای تاریخی حاکی از آن است که برخی از مردم کلب به دلیل مختلف از جمله تکیه بر حمایت روم، هنوز مواضع خصمانه ی خود در برابر اسلام را داشتند(علی بیگی و دیگران، ۷:۳۰، ۱۳۹۷) لذا در زمان خلیفه سوم، برخی از آنها بر آیین مسیحیت بودند.(ابنکلبی، ۱۹۸۸، ج ۵۶۷:۲)

- در مقابل اندکی پس از رحلت رسول خدا (ص)، برخی از بتپرستان کلبی شمال جزیره العرب، در زمره ی قبایل مرتد قرار گرفتند و تنها کارگزار رسول خدا (ص)، امرؤ القیس بن اصبع کلبی بر اسلام بماند. (طبری، ۱۹۷۶، ج ۳: ۲۴۳؛ ابن اثیر، ۱۹۶۵، ج ۲: ۳۴۳) جودی بن ربیع و ودیع کلبی با فراخواندن هم قبیله ای های خود به نبرد بر علیه مسلمانان پرداختند که سرانجام کشته شدند و اسرای کلب با وساطت تمیمیان، آزاد شدند. (طبری، ۱۹۷۶، ج ۳: ۳۷۸)

نتایج پژوهش

- مهاجرت قبایل قضاچه از جنوب به شمال جزیره‌العرب، حضور جدی طایفه های کلب در گستره-ی وسیعی از جغرافیای جزیره‌العرب را به دنبال داشت. آنها با تکیه به دامداری و تجارت، حیات سیاسی اجتماعی ویژه ای برای خود رقم زدند که شناخت آن برای بررسی نقش این قبیله در تحولات تاریخ صدر اسلام ضروری است.

- در واقع قبیله ی کلب در طی قرون متمادی به ژئوپلیتیکی ویژه ای در شمال شبه جزیره دست یافته بود که وابستگی به آن، سنت قبیله را حفظ میکرد. دوام این ژئوپلیتیک در قالب سازه انسانی قبیله، از عواملی چون نسب، باور، پیشوایی قبایل و جغرافیا تأثیر می پذیرفت به گونه ای که هر یک از این عوامل، جزء علایق ژئوپلیتیکی قبیله محسوب میشود

نسب، باور، پیشوایی قبایل و جغرافیا

• و حاضر بودند برای حفظ آن به رقابت با دیگر قبایل پردازند. بنابراین بنی کلب با این وابستگی جغرافیایی و پشتوانه ی تاریخی به قبیله ای تأثیرگذار در اواخر دوران جاهلیت و صدر اسلام تبدیل شده بود و آنها را در قلمروی گسترده خویش قدرتی بی رقیب ساخته بود، از این رو گسترش اسلام در این قبیله با چالشهایی روبرو بود های اولیه ی ظهور اسلام، جز تعدادی انگشت شمار از افراد بنی کلب که دور از قبیله زندگی میکردند، کسی مسلمان نشده بودند.

وابستگی جغرافیایی و پشتوانه ی تاریخی

لکن از آنجا که اصلیت‌ترین جغرافیای تجمع طایفه‌ها کلب در شمال، **دومه الجندل** بود و گروه‌های مسیحی و بت پرست کلبی را در کنار بت «ود» گرد آورده بود، پیامبر(ص) اسلام، پس از تثبیت حکومت اسلامی مدینه تصمیم گرفت جهت تبلیغ جلوگیری از ظلم و تعدی و دفع خطر احتمالی همکاری اهالی دومه با رومیان، آنجا را فتح کند.

• لذا با شناختی که از علایق ژئوپلیتیکی قبیله داشت، سعی نمود با اتخاذ راهبردی دقیق و متناسب، توان تاب آوری کلبیها در مقابل اسلام را بکاهد. از بین بردن بت و د به عنوان نماد بت پرستان قبیله ی کلب در نفی وابستگی به باور نیاکان و دادن امتیاز به وفود کلب جهت تثبیت قلمرو آنها، از جمله ی اقدامات پیامبر(ص) در این مسیر بود

- دست‌آورد پژوهش بیانگر این است که پذیرش دین جدید با علایق ژئوپلوتییکی کلبی‌ها در شمال شبه جزیره در تعارض بود و ترس از به خطر افتادن موقعیت خویش داشتند، از این رو در ابتدا اکثریت قبیله رویکردی منفعلانه نسبت به اسلام را در پیش گرفتند ولی سرانجام باتغییر کیش و آیین و حفظ سایر علایق موثر در ژئوپلیتیک قبیله، مسلمان شدند. این حرکت دیر و تدریجی قبیله کلب به سمت اسلام را در نمودار ذیل میتوان مشاهده کرد:

نمودار پذیرش اسلام در بنی کلب

فردی ← ابتدای اسلام در مکه و مدینه

